

۱۶۰
حضور خلوت اُنس است و دوستان جمعند
و این یکاد بخوانید و دَر قَراز کنید

حافظ و مشاور

محمود رخ بخش زمین



انتشارات نوید شیراز



سرشناسه	: رخ‌بخش زمین، محمود، ۱۳۲۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: حافظ و مشاوره/مؤلف محمود رخ‌بخش زمین.
مشخصات نشر	: شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۲۱۶-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۳۱.
موضوع	: حافظ، شمس‌الدین محمد، - ۷۹۲ق -- نقد و تفسیر
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۸ق. -- تاریخ و نقد
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ح ۲/۳۴، PIR۵۴۳۵
رده بندی دیویی	: ۸۶۱/۳۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۷۶۵۶۸۲



حافظ و مشاوره

محمود رخ‌بخش زمین

حروفچین و صفحه‌آرا: اعظم فهندز سعدی □ طراح جلد: سعید فضلی

لیتوگرافی و چاپ: واصف

تیراژ: ۱۵۰۰ جلد □ چاپ اول: ۱۳۹۲ □ حق چاپ محفوظ

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز- تلفن ۶۲-۲۲۲۶۶۶۱ نمابر ۰۷۱۱-۲۲۲۹۶۷۶ □ ص.پ: ۷۱۳۶۵/۶۶۶

دفتر تهران- تلفن ۵۹۴۵-۸۸۹۰ نمابر ۰۲۱-۸۸۹۳۱۵۲۲

پست الکترونیکی: info@Navideshiraz.com

وب سایت: www.navideshiraz.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۲۱۶-۹ ISBN: 978-600-192-216-9

۶۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	سپاسگزاری.....
۷	پیشگفتار.....
۹	مقدمه.....
۱۱	دیدگاه‌ها و پیشینه.....
۱۹	بخش اول: مشاور در نقش ساقی.....
۳۱	بخش دوم: مصاحبه‌ی مشاوره‌ای.....
۶۳	بخش سوم: کاربردها.....
۸۱	بخش چهارم: رابطه‌ی حسنه.....
۹۵	بخش پنجم: دل و اهل دل.....
۱۰۱	بخش ششم: رازداری.....
۱۱۱	بخش هفتم: مددکاری باد صبا.....
۱۱۷	بخش هشتم: مجلس آنس.....
۱۲۵	- پی‌نوشت‌ها:.....
۱۲۹	- منابع.....

۵۷ سپاسگزاری

سپاس و ستایش خدایی راست که با تقویض اراده به ما قدرت اندیشیدن بخشید.
اما بعد: از کلیه کسانی که در پدید آمدن این کتاب مرا یاری رسانده‌اند کمال سپاس و تشکر را دارم.

- از جناب آقای داریوش نویدگویی مدیر محترم و موفق انتشارات نوید شیراز و همکاران ایشان که نقش مؤثری در پدید آمدن این اثر داشته‌اند ممنون و سپاسگزارم.

- برای زنده‌یاد هوشنگ فتی که ضمن راهنمایی‌های مفصل و ارزنده‌ی خود، مشوق خوبی برای این جانب بودند و ویراستاری مطالب را به عهده گرفتند طلب آمرزش دارم.
- از جناب آقای دکتر شبانی که با مطالعه‌ی بخشی از کتاب، راهنمایی لازم را مبذول داشتند کمال تشکر و قدر داری را دارم.

- از جناب آقای منصور پایمرد که با انتقاد به جای خود باعث تغییر در روش کارم شدند. سپاسگزارم.

- از سازمان محترم آموزش و پرورش فارس و معاونت‌ها و کارشناسی‌ها بخصوص کارشناسی مشاوره، انجمن اولیاء مربیان، معاونت پرورشی و تربیت بدنی کتابخانه معلم و معاونت پژوهشی سازمان و مدیران آموزش و پرورش نواحی و مناطق که در توزیع کتاب «تربیت کاربردی» مرا یاری رساندند. کمال تشکر و قدردانی و سپاسگزاری را دارم.

- از کلیه دست اندرکاران تعلیم و تربیت، مشاوران، مدرسین و دانشجویان و دانش‌آموزانی که با نقطه نظرهای خود پیوسته مرا یاری می‌رسانند، سپاسگزارم.
- از خانواده‌ام به ویژه همسر و فرزندانم که فرصت نگارش کتاب را برای من فراهم ساختند سپاسگزارم.

- از جناب آقای دکتر کاوس حسن‌لی که با پذیرش مقاله «آداب معاشرت در دیوان حافظ» و صدور مجوز ارائه‌ی آن در سالروز حافظ، (۱۳۸۸) انگیزه‌ی نگارش چنین کتابی

را تداوم بخشید؛ سپاسگزارم.

- با احترام به جناب آقای دکتر محمد استعلامی که از «درس حافظ» او بهره‌ها بردم.

- حافظ را با تمام وجود می‌ستایم:

که با غزل‌های جامع الاطراف خود زمینه‌ی پژوهش‌های گوناگون را برای شیفتگان خود فراهم ساخته است.

- و در نهایت و به قول حافظ:

هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم.

* تقدیم به اندیشه‌های فردا، به نوه‌هایم آرتین و دانیال.

* تقدیم به کلیه‌ی مشاوران تربیتی.

محمودرخ بخش‌زمین - ۱۳۹۲

پیش گفتار:

«وضع نشر در سال ۱۳۸۷ نشان می‌دهد که در این سال ۵۴۹۹۸ عنوان کتاب منتشر شده است که ۱۰۴۰۵ عنوان آن مربوط به ادبیات و از میان آن، ۱۶۴ عنوان درباره‌ی خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازیست که نسبت به سال گذشته روند بالایی داشته است» (حافظ‌پژوهی ۱۳۸۸)

«طبق آمار موجود بیشترین عنوان سال گذشته را فال نامه‌ها در ۵۴ عنوان با شمارگان ۲۸۴۳۰۰ به خود اختصاص داده‌اند». (همان منبع)

ارقام فوق نشان می‌دهد که مردم به نحوی می‌خواهند با دیوان حافظ مشورت یا (تفأل کنند). در زمینه تفأل به حافظ داستان‌های زیادی ذکر شده که با واقعیت‌ها و اندیشه‌ی مردم سازگاری داشته است.

این موضوع نشان می‌دهد که به جز ابعاد بررسی شده از دیوان حافظ، باید به بررسی‌های نو اندیشه‌ای نیز پرداخت. جستجوی شیوه‌ی زندگی و نحوه‌ی برخورد و «آداب معاشرت»^۱ با مردم را می‌توان از غزل‌های زیبای عرفانی، عاشقانه، و رندانه‌ی حافظ دریافت کرد. با وجودی که معنی مشورت با تفأل تفاوت دارد، ولی می‌توان به یک شباهت و قرابت بین این دو فرآیند نیز پی برد.

هر کس می‌تواند با دیوان حافظ مشورت کند. هم‌چنان که می‌تواند به دیوان حافظ تفأل کند. در سراسر دیوان حافظ فقط یک بار از کلمه‌ی «مشورت» استفاده شده است. «مشورت» با عقل کردم، گفت حافظ می‌بنوش ساقیا می‌ده به قول مستشار مؤتمن ولی اگر خوب بنگریم، تمامی غزلیات حافظ، رنگ مشاوره و راهنمایی دارد. در این دیوان عزیز بیشتر از راهنمایی، به مشاوره پرداخته شده. که تاکنون کارهای زیادی بر روی آن صورت گرفته است، در این بررسی مؤلف سعی کرده است تا با نگرشی جدید و مشاورگونه به کاربرد برخی از ابیات غزل‌های حافظ در جلسات مشاوره‌ای بپردازد.

۱. آداب معاشرت در دیوان حافظ عنوان مقاله‌ای از مؤلف بوده است که در بزرگداشت حافظ در سال ۱۳۸۸ ارائه شده است.

مقدمه

«حافظ از آن روی مصلح اجتماعی است که با آفت‌های اجتماعی کار دارد. یعنی دردها و فسادها و آسیب‌ها را تا اعماق می‌شناسد و جراح‌وار به نیشتر انتقاد می‌شکافد و آن‌گاه به مهربانی، مرهم می‌نهد» (حافظ نامه ص ۳۱)

فرآیند فوق یک جریان مشاوره‌ای و درمان‌گری را نشان می‌دهد. در دیوان حافظ با نقش‌هایی چون ساقی‌گری، نظربازی، بذله‌گویی، بزم‌آرایی، نکته‌دانی، دلبری، رندی، قلندری، می‌فروشی، شاهد بودن صاحب کرامت، صاحب‌دلی، کیمیاگری و از همه برتر، پیرمغان بودن با آفت‌های اجتماعی مبارزه می‌شود.

«حافظ از شراب به عنوان وسیله‌ای برای شور و هیجان بهره می‌گیرد و آن را مایه‌ی رسیدن به چنان حالتی می‌داند که ممکن است در آن حالت، حتی در یک لحظه پرده‌ها گشوده و واقعیت‌های پنهان نمایانده شود؛» (پرفسور ربیکا به نقل از مقدمه‌ی قزوینی ۱۳۷۸) در بررسی غزل‌های حافظ مشخص شد: با وجودی که هر کدام از واژه‌های به کاربرده شده در مورد «شراب» را می‌توان متفاوت از هم، مورد بررسی قرار داد، ولی همه‌ی آن‌ها حاکی از مفاهیمی است که می‌توانند برای مراجع (مراجعة کننده) کارساز و تحول آفرین باشند. اعم از «می»، «شراب ناب»، «می مغانه»، «شراب»، «باده»، «کیمیای هستی»، «می لعل فام» و...

«این اندیشه‌ای است که حافظ قصد دارد در سراسر زندگی آن را دنبال کند. چنین راهی سرشار از رنجه‌ها و شادی‌هاست» (همان منبع ص ج) بنابراین او از کارهایی چون عشق‌بازی، عشق ورزیدن، عشق و حریم عشق در غزل‌های خود، یاد می‌کند که گاهی فراتر از مسائل عقلی قرار می‌گیرد و مشاور یا ساقی می‌تواند با این روش‌ها به حل مشکل مراجع خود بپردازد.

انسان‌ها روز به روز به دیوان حافظ نیازمندتر می‌شوند و درصدد آن هستند تا نقش خود را در آن مشاهده کنند. و به قول شهید مطهری، «حافظ، حافظ است و شعرش به مرحله‌ای از کمال رسیده که در طول قرن‌ها جایگزین آئینه‌ی درون نمای انسان شده باشد. هر کس در شعر حافظ خویشتن خویش را می‌بیند و با انفعال روحی خود مواجه می‌شود.» (تماشاگاه راز چاپ ۱۳۷۹).

در این کتاب ابتدا غزل‌هایی از دیوان خواجه حافظ که بیشتر مرتبط با مسائل اجتماعی می‌باشند انتخاب و سپس بر اساس موضوع‌هایی چون رابطه‌ی حسنه، رازداری، دل و اهل دل، بادصبا (مددکاری) و بیت‌های متفرقه‌ی مرتبط با مشاوره، طبقه‌بندی شدند. آن‌گاه تفسیر کوتاهی از آن بیت با استفاده از منابع معتبر ارائه شده است. در این کتاب مؤلف با دید مشاوره‌ای، روش به کارگیری هر بیت را در جلسه‌ی مشاوره‌ای مشخص ساخته است. البته استفاده کردن از بیت‌های ناب دیوان حافظ بدین شکل قدمتی دیرینه دارد و مردم همه روزه به مناسبت‌های مختلفی ابیات این دیوان عزیز را به صورت‌های گوناگون و به عنوان تأیید گفتار و نوشتار خود استفاده می‌کنند. این کار تا حدی پیشرفت داشته است که بسیاری از مصراع‌ها و بیت‌های دیوان خواجه به صورت ضرب‌المثل در آمده است.

هدف اصلی مؤلف از نگارش این کتاب کاربردی ساختن ابیات ناب غزل‌های حافظ در جلسات مشاوره‌ای می‌باشد.

نکته‌هایی درباره‌ی مطالعه‌ی این کتاب:

۱- این کتاب را با دید تربیتی و مشاوره‌ای مطالعه فرمائید نه یک اثر ادبی. بنابراین کلیه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و والدین بخصوص مشاوران تربیتی و دانشجویان این رشته می‌توانند از این کتاب استفاده کنند.

۲- از آن جا که این کتاب زمینه‌ی کاربردی دارد، سعی کنید تا بعد از مطالعه هر بند از مطالب مندرج در آن، به مناسبتی از بیت مطرح شده، استفاده کنید.

۳- گرچه حافظ را یک مصلح اجتماعی می‌دانند، ولی انتقال مفاهیم مندرج در این دیوان عزیز به جنبه‌های واقع‌گرایانه‌ی زندگی بخصوص مشاوره به سختی صورت می‌گیرد که نیاز به مهارت خاص دارد.

بنابراین مؤلف برای آن که از خط مفهوم اصلی بیت‌ها خارج نشود ابتدا مفهوم اصلی بیت را که توسط اساتید محترم انجام شده، آورده، سپس به انتقال مفهوم پرداخته است.

۴- از بیت‌های انتخابی به عنوان شاهی بر مدعای مشاوران استفاده شده است و این کاری است که مردم ما روزانه انجام می‌دهند بنابراین هدف، معنا کردن بیت‌ها نبوده است که تنزلی هم صورت گرفته باشد.

۵- این کتاب مصداق کوچکی از مفاهیم بزرگ و عرفانی دیوان حافظ می‌باشد، که هدف از تدوین آن ارائه‌ی دست‌مایه‌ای برای مشاوران در جلسات مشاوره‌ای می‌باشد. بنابراین سمت و سوی آن، کاربرد بیت‌های ناب حافظ در فرآیند مشاوره‌ای می‌باشد. اگر شما مقصودی فقط عرفانی داشته باشید، ممکن است در مطالعه‌ی آن دچار اشکال شوید.

دیدگاه‌ها و پیشینه

زمانه‌ی حافظ :

حافظ در زمانی می‌زیست که در شیراز، ثبات سیاسی وجود نداشت. گرچه این شهر از بزرگترین مراکز علمی و ادبی محسوب می‌شد. زمانی که حافظ، شانزده^۱ سال بیش نداشت، شاه ابواسحاق اینجو در سال ۷۴۳ هجری، شیراز را تسخیر نمود. این سلطان، خود، شاعر و شاعر دوست و مردی سرخوش و عیاش بود به طوری که از امور مملکت غافل ماند تا آنکه در سال ۷۵۸ هجری توسط «امیر مبارزالدین مجدی مظفر» به قتل رسید، امیر مبارزالدین به محض آنکه شیراز را فتح کرد، در میخانه‌ها را ببست و باده نوشی و می‌گساری را به سختی ممنوع کرد. او مردی سخت و قسی و غلیظ القلب بود.

حکومت امیر مبارزالدین بیش از ۵ سال طول نکشید. او توسط فرزندش شاه‌شجاع، کور و از سلطنت مخلوع شد. شاه‌شجاع سختگیری جابرانه‌ی پدر را به نرمی و ملاطفت جبران کرد. میان شاه شجاع و حافظ رابطه خوبی وجود نداشت به دو دلیل: دلیل اول آنکه شاه‌شجاع نسبت به فقیه زمان (عبداله بُنجیری) ارادت قلبی داشت. ولی حافظ او را مکار و حيله‌گر می‌دانست. دلیل دوم هم این بود که خود شاه شجاع، شاعر نیز بود، و در شعر سرایی با حافظ رقابت می‌کرد، اما به پایهی کلام او نمی‌رسید از این رو، آتش حسد در باطن او شعله‌ور بود. پس از شاه شجاع در سال ۷۸۶ پسرش زین العابدین چهار سال حکومت کرد تا آنکه در سال ۷۸۹ توسط عمویش شاه منصور از سلطنت خلع شد و این پادشاه مورد ستایش حافظ نیز بود. او آخرین سطلانی بود که حافظ را درک کرد. (زندگی‌نامه‌ی شاعران ص ۲۰۹ با تصرف)

«راجع به زندگی و اخلاق خواجه به طوری که از اشعار و غزلیات او استنباط می‌شود، خواجه با نهایت عزت نفس، مناعت طبع و علو همت زندگی داشته و با این که دوره‌ی زندگی خواجه در قرنی بود که در اثر خون‌ریزی‌های چندین ساله‌ی چنگیزی و ظهور دولت تیموری، فضایل اخلاقی مبدل به رذایل گشته، خزاین علم و ادب لگدکوب وحشی‌های خونخوار گردیده و در نتیجه ملوک‌الطوایفی نیز ایران را فرا گرفته، پسر، پدر را کور می‌کند، برادر به برادر ابقا ندارد، زن شوهر را به فجیع‌ترین شکل می‌کشد. در چنین قرنی خواجه قدم به عرصه‌ی وجود می‌گذارد، تحصیل کمال کرده، وارد مراتب عرفان می‌شود و با شعر و شاعری الفت می‌گیرد.» (به نقل از مقدمه‌ی دیوان حافظ به تصحیح عبدالرحیم خلخالی)

^۱ مطابق تحقیقات استاد فتی حافظ در آن زمان ۲۵ ساله بوده است.

دیدگاه‌هایی که تأیید کننده‌ی این کتاب می‌باشند:

«غالب اشعار حافظ به شکلی است که هر کس اندیشه و گم گشته خود را در آن پیدا می‌کند. از مردم عادی گرفته تا عالمان و عارفان. اما نکته‌ی مهم این است که افراد دل بسته‌ی دنیا و شیفتگان خاکی نیز گاهی مقصود خود را در اشعار خواجه می‌بینند. علت آن همین رمز گوئی و کنایه و مجازی است که در شعر او نهفته است مانند:

علم و فضلی که به چل سال دلم جمع آورد ترسم آن نرگس مستانه به یغما ببرد»

(بعضی از رموز عرفانی ص ۵۳)

«مؤلف نیز در این بررسی به دنبال گم گشته‌ی خود در دیوان خواجه به جستجو پرداخته و توانسته است به کاربرد ابیات ناب خواجه در جلسات مشاوره‌ای پی ببرد.

«در اشعار اندکی که از حافظ به ما رسیده (به قول قزوینی ۴۹۵ غزل و کمتر از ۵۰۰ بیت) به دایره‌المعارفی برخورد می‌کنیم مشحون از فلسفه، حکمت، کلام، قرآن، ادبیات، اصول عرفان، منطق، موسیقی، خط ... و صدها هنر، فن و علوم دیگر و عجب آن است که وی در همه‌ی آن‌ها متبحر می‌باشد.» (حافظ را چنین پنداشته‌اند ص ۱۱۶)

«ما همیشه حافظ را در آسمان‌ها دیده‌ایم. او را لسان الغیب خوانده‌ایم و پنداشته‌ایم که او از آسمان‌ها و جهان غیب برای ما پیام آورده است در حالی که او نیز چون ما بشری خاکی بوده است و جهان غیب جز دل‌های مشتاق و آرزومند و ناخودآگاه امیدوار ما نیست. حافظ پیشاپیش همه روان شناسان و همه‌ی روان درمان گران، لایه‌های پنهان ذهن انسان‌ها را کاویده و از سر صدق، صفا با دلی به پهنای ابدیت، برای بشر آرزوی نیکی و بهره‌وری کرده است.» (راحت جان ص ۸)

مؤلف: این کتاب نیز نسبت به دیوان حافظ چنین دیدگاهی دارد و جهان غیب در دیوان حافظ را دل‌های آرزومند و مشتاق مراجعان می‌داند.

«افزون بر این، امروزه به هر مؤسسه مشاوره‌ای که رو کنید، بخش بزرگی از رهنمودها و پیام‌های آنان چیزی جز دیدگاه‌های ارائه شده در این کتاب‌ها نیست و اگر گفته‌ی دکتر مهدی پرهام در کتاب «حافظ قرن بیستم» بپذیریم پی خواهیم برد که جهان آینده چاره‌ای ندارد جز روی آوردن به همین پیام‌های انسانی و درمان کننده‌ی زخم‌های روانی.» (همان منبع ص ۹)

«یکی از دلایلی که ما را از عارف انگاری تمام عیار حافظ باز می‌دارد، نشاط زندگی

دوستی و اغتنام حیات و ستایش ناز و نعیم دنیوی اوست که دیوانش مالا مال از آن است. حال آن که آثار عرفا غالباً مبتنی بر نیت بنیادی جهان زهد و اعراض از دنیا است» (ذهن و زبان حافظ ۱۳۶۲)

حافظ را از دیدگاه‌های مختلف می‌توان بررسی کرد. مؤلف از دیوان خواجه به منظور تسهیل در امور مشاوره‌ای استفاده کرده است.

«سال‌هاست که ایرانیان، پیرو جوان و خرد و کلان، هر آن‌گاه که مشکلی یا غمی دارند، امرخیری در پیش یا قصد انجام کاری دارند، از دیوان حافظ استشاره می‌کنند و بدان تفأل می‌زنند، حافظ را به حق لسان الغیب می‌دانند و می‌خوانند و بر این باورند که روح بزرگ او محرم همه‌ی جان‌ها و زبان همه‌ی دل‌های سوخته است.»

مؤلف در این کتاب با این دیدگاه، به دیوان حافظ نگریده‌است که در آن نکات مشاوره‌ای بسیاری موجود است و باید آن‌ها را کشف کرد.

«جوانمردا، این شعر را آینه می‌دان، آخر دانی که آئینه را صورتی نیست در خود، اما هر کس در آن بنگرد، صورت خویش را می‌تواند دید اندر آن، همچنین می‌دان شعر را؛ زیرا که شعر را در خود هیچ معنی ثابت نیست، اما هر کسی از شعر آن معنی را تواند دید که نقد روزگار او باشد و کمال کار او...»

(نامه‌های عین القضاة همدانی ج ۱ ص ۲۱۶ به نقل از منبع قبل ص ۱۲)

مؤلف: همانطور که هر کس در دیوان حافظ تصویر خود را می‌بیند، ما تصویر مشاور و مراجع را در آن دیده‌ایم.

«حافظ، حافظ است و شعرش به مرحله‌ای از کمال رسیده که در طول قرن‌ها جایگزین آینه‌ی درون نمای انسان شده باشد یعنی هر کس در شعر حافظ خویشتن خویش را می‌بیند و با انفعال روحی خود مواجه می‌شود. البته در صورتی که حافظ را شناخته باشد و شناخت مردی مانند حافظ، آن‌گاه امکان‌پذیر است که فرهنگ حافظ را بشناسیم و...» (عرفان حافظ ص ۱۴)

«ما در طول تاریخ ادبیات‌مان غیر از عصر جدید، یعنی از رودکی و منوچهری و فردوسی به این طرف تا حدود یک قرن پیش که افکار جدید آزادی خواهی و اصلاح اجتماعی مطرح می‌شود، چنین شاعری نداریم. در دنیای قدیم اصلاً مسائل اجتماعی را یا نمی‌دیدند یا ناگفته می‌گذاشتند. چنین هشیاری‌ها و حساسیت‌ها در افق فرهنگ ما کمتر مطرح بوده که شاعری

این قدر به آفات اجتماعی بپردازد.» (حافظ نامه ۱۳۷۸)

«از اختصاصات کلام حافظ آن است که معانی دقیق عرفانی و حکمی و حاصل تخیلات لطیف و تفکرات دقیق خود را در موجزترین کلام، بیان کرده است. به عبارت دیگر او در هر بیت و گاه در هر مصرعی نکته‌ای دقیق دارد که از آن به مضمون تعبیر می‌کنیم. گرچه این شیوه، تازه نبوده، اما حافظ آن را تکمیل کرد و به پسندیده‌ترین وجه و مطبوع‌ترین صورت درآورد.» (همان منبع ص ۲۱۱)

مؤلف: در این اثر سعی شده است تا نکات مهم موجود در بیت‌ها و مصراع‌ها را در زمینه کار مشاوره استخراج و کاربردی سازد.

«بیشتر کتاب‌های روان درمانی بر پایه‌ی یک نکته، نگارش یافته‌اند و آن تلقین و مهندسی ذهن آدمی است؛ و این نکته را با زبان و سخنان گوناگون مطرح کرده‌اند و ادعای آن را دارند که با تلقینات و استفاده از روش‌های پیشنهادی آنان بسیاری از بیماران روانی نجات یافته‌اند و از اضطراب‌ها و تنش‌های زندگی آنان، تا اندازه‌ی فراوانی کاسته شده است.» (جان ص ۲۷)

مؤلف: در این کتاب نیز به چنین نگرشی توجه شده است.

«شعر عرفانی ایران با تکیه بر مفاهیم، اصولی چون حقیقت و عدالت و تعادل در هستی و نیز اعتقاد به پدید آمدن انسان از طریق عشق و علاقه‌ی خالق به او، در واقع به نوعی مبارزه با خرافات و باورهای غلط عام دست زده است.» (حافظ و روان‌کاوی ۱۳۷۸)

حافظ و روان‌کاوی

«می‌خواست گل‌که دم‌زند از رنگ‌وبوی دوست از غیرت صبا نفسش در دهان گرفت

بر برگ گل ز خون شقایق نوشته‌اند آنکس که پخته شد، می‌چون ارغوان گرفت
نقد روان‌کاوانه شعر می‌بایست از تمثیل و سمبول‌های به کار گرفته شده به احساسات درونی شاعر و تقابل روحی پی‌برد.

می‌خواست گل: کودک طبیعی «اریک برن»^۱. از غیرت صبا: والد سختگیر و خشمگین اریک برن.

^۱. اریک برن معتقد است که شخصیت هر فرد از سه لایه‌ی «من کودک»، «من بالغ» و «من والدینی» تشکیل شده است.

نفسش در دهان گرفت: من ناکام شده‌ی فروید^۱

در مفهوم بیت اول، کودک طبیعی اریک برن با نیازهای اصلی، در اثر برخورد با والدی ستمگر، به کودکی مطیع و سازش کار تبدیل شده است.

آن کس که پخته شد می چون ارغوان گرفت: لذت می‌باید در اثر فعالیت بلوغ آدمی، معنوی شود و از شرابی که وحدت با طبیعت بیاورد، مست شود.

- می‌خواست گل (نهاد) که باید توسط (خود) برآورده شود.

با این تمثیل که کودک درون، درون غنچه‌ی گل روان است.

رنگ و بوی دوست، اشاره به مکنونات قلبی و معنوی نهفته در ناخودآگاه است.

از غیرت صبا (منهیات اجتماعی و فردی و اشاره به من برتر^۲ که مانع تجلی نهاد می‌شود).

بارها گفته‌ام و بار دگر می‌گویم که من دلشده این ره نه به خود می‌پویم

بارها گفته‌ام و بار دگر می‌گویم «که دلیل کنش و فکر تو در کودکی می‌جویم»

(همان منبع ص ۵)

حافظ و مثلث مازلو:

مثلث مازلو سلسله مراتب نیازهای آدمی را نشان می‌دهد. که به ترتیب نیازهای فیزیولوژیکی، نیاز به امنیت، نیاز به تعلق، نیاز به تحسین، خود شکوفایی، نیازهای شناختی و نیازهای جمالی را شامل می‌شود. در ابیات زیر مراتب نیازها آمده است:

هان ای پسر بکوش که صاحب خیر شوی تا راهرو نباشی کی راهبر شوی
دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی

خواب و خورت زم‌رتبه ی خویش دور کرد آنکه رسی به خویش که بی خواب خور شوی
گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتاد بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی
بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی

(همان منبع ص ۷)

* «بله حافظ شاعر است، یک شاعر استثنایی، که جلوه‌های هنر او برای همیشه در فرهنگ بشر می‌ماند، اما او فقط یک شاعر نیست، یک انسان متعهد و مسئول است که نمی‌تواند از

^۱. فروید معتقد است که شخصیت انسان از سه عنصر id (خواهش‌های نفسانی) Ego (خود تغیر شکل یافته‌ی خواهش‌های نفسانی) super ego (فراخود یا بخش اخلاقی شخصیت) تشکیل شده است.

^۲. Super Ego

کنار درماندگان و ستم دیدگان جامعه بگذرد» (درس حافظ ص ۱۹)

* حافظ فقط یک شاعر نیست، یک متفکر مسئول دلسوز است و من هیچ نگرانی ندارم که بگویم یک فیلسوف است. این متفکر اجتماعی، شاید، یک تنه، در برابر همه ریاکاران روزگار خود و روزگاران پس از خود ایستاده است، و آنچه می‌خواهد بگوید، امروزه بر زبان من و شما هم هست، زیرا سخن او سخن همه روزگاران است. (همان منبع ص ۲۰)

* این شاعر، این متفکر مسئول، این مبارز سیاسی اجتماعی، که یک تنه در برابر این همه تزویر و ریا قد بر افراشته، در مقابل زاهد و صوفی و شیخ و مفتی و محتسب، برخود چه نامی می‌گذارد؟ حافظ خود را «رند» می‌نامد.... اما رند حافظ از این‌ها بالاتر است نه بی سر و پای کنار خیابان است، و نه مردی بریده از دین و ایمان.

انسانی است آگاه و بی باک که در برابر معتقدات بی پایه‌ی خرافی می‌ایستد.

راز درون پرده، ز رندان مست پرس کاین حال، نیست زاهد عالی مقام را!

(همان منبع ص ۳۲)

آشناترین تعبیر یا اسطوره‌ای که در کلام حافظ از آن سخن می‌گوید «پیر مغان» است او مردی نیست که در قرن هشتم هجری در شیراز بوده و حافظ روزها و ساعت‌ها پای صحبت او نشسته باشد. این نیاافتنی (پیر مغان) در چنان مرتبه بلندی از مراتب کمال است که حافظ «مرید پیر مغان» و «بنده‌ی پیر مغان» می‌شود. هر مشکلی را با او در میان می‌گذارد و او «به تأیید نظر، حل معما می‌کند» جناب پیر مغان، جای دولت است یعنی آزادگانی چون حافظ را از آنچه دنیا دوستان به آن دل می‌بندند، بی نیاز می‌کند، و «به یمن عاطفت او، هرگز جام حافظ از می صاف روشن تهی نمی‌ماند» (درس حافظ ص ۳۲)

* حافظ در جامعه‌ای و در زمانی به دنیا آمده است که در آن، نظام‌های آموزشی و مدرسه‌ای با تجهیزات و کتابخانه‌ها و آزمایشگاه‌های امروزی نبوده، آن روزها در سرزمین ما همه‌جا، طفل نو آموز، اگر پدر و مادر با سواد داشت. مقدماتی را از آنها می‌آموخت، و بعد آن پدر و مادر اگر توانایی مالی داشتند او را به مکتب داری می‌سپردند و در سن و سال بالاتر، شاید او را نزدیک معلم اصول و فقه و کلام و تفسیر می‌فرستادند و باز اگر روزگار مساعد بود، فرزندشان به سفرهایی در سرزمین‌های همسایه و نزدیک می‌رفت و با استادانی، در زمینه‌ی مطالعات اسلامی، و به ندرت فلسفه و علوم و معارف دیگر، آشنا می‌شد. جامعه هم به او

چیزهایی می‌آموخت که برنامه قطعی و فلسفه آموزش خاصی در زیر بنای آن نبود. (درس حافظ ص ۸)

* - همکار و دوست ارجمند جناب آقای رخ‌بخش: تحقیق ارزشمند حضرت عالی را با دقت مطالعه کردم. دستتان درد نکند- تحقیق فوق‌العاده و جدید بود.

متأسفانه با آن که به نظر می‌آید تحقیق درباره‌ی حافظ و شعر و اندیشه‌ی او با زیاده‌روی روبرو شده است، چنین نیست. حافظ و فردوسی مظلوم‌ترین سخنور ایرانند و کار بر روی شعر و اندیشه‌ی آن‌ها فراوان می‌شود کرد.

همیشه فکر می‌کردم که از بعد علوم روان‌شناسی جدید باید شعر و اندیشه‌ی مولوی و حافظ مورد بررسی قرار گیرد، خوشبختانه با مطالعه‌ی تحقیق حضرت عالی به قسمتی از آرزوی خود رسیدم. نمی‌دانم کتاب شما چند صفحه خواهد شد؟! پیشنهاد می‌کنم اگر کتاب کمتر از ۲۰۰ صفحه باشد چند غزل دیگر را از بُعد مشاوره مورد تحقیق قرار دهید.

موفقیت حضرت عالی را از خداوند طالبم. (هوشنگ فتی ۸۹/۲/۱۵)